

## بازنمایی فرایند بلوغ در رمان‌های نوجوان: بررسی تطبیقی دلّک و زیبا صدایم کن

ناهید طاهری گندمانی<sup>۱\*</sup>

حمید رضایی<sup>۲\*\*</sup>

فاطمه رحمانی فرد<sup>۳\*\*\*</sup>

### چکیده

این مقاله به تحلیل مقایسه‌ای انواع بلوغ در شخصیت‌های دختر نوجوان رمان‌های دلّک (۱۳۹۱) اثر هدی حدادی و زیبا صدایم کن (۱۳۹۳) اثر فرهاد حسن‌زاده پرداخته است. هدف اصلی پژوهش بررسی نحوه بازنمایی بلوغ جسمی، عاطفی، سیاسی و اجتماعی در این دو رمان و تحلیل تفاوت‌های نگرشی نویسندگان زن و مرد در زمینهٔ مختلف بلوغ است. این پژوهش به روش تحلیلی-مقایسه‌ای صورت گرفته و با استفاده از داده‌های موجود در متن رمان‌ها، فرایند بلوغ شخصیت‌های دختر نوجوان به‌طور مجزا و مقایسه‌ای مورد ارزیابی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در رمان دلّک، بلوغ بیشتر بر ابعاد فرهنگی و معنوی تمرکز دارد، درحالی‌که در زیبا صدایم کن، بلوغ به‌ویژه در ابعاد اجتماعی، سیاسی و شناختی نمود پیدا کرده است. در نهایت، تفاوت‌های بازنمایی بلوغ در این دو رمان نشان‌دهنده تفاوت‌های دیدگاه نویسندگان زن و مرد است که به‌طور خاص در چگونگی توجه به پیچیدگی‌های روان‌شناختی و اجتماعی شخصیت‌های نوجوان مشاهده می‌شود. این پژوهش به‌ویژه به بررسی نقش جنسیت در بازتاب بلوغ در ادبیات کودک و نوجوان پرداخته است.

**واژه‌های کلیدی:** بلوغ، دلّک، رمان نوجوان، زیبا صدایم کن، نوجوان.

### ۱. مقدمه

بلوغ<sup>۴</sup> یکی از مهم‌ترین مراحل تحولی در زندگی انسان است که با دگرگونی‌های جسمانی، روانی و اجتماعی<sup>۵</sup> گسترده‌ای همراه می‌شود. این مرحله که گذرگاه میان کودکی و بزرگسالی است، نقشی اساسی در شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی نوجوان ایفا می‌کند. ادبیات نوجوان به‌عنوان ابزاری فرهنگی و تربیتی، می‌تواند بستری برای تبلور تجربه‌های زیسته و راهکارهای مقابله با چالش‌های دوران بلوغ باشد. از آنجاکه نوجوانان هنگام خواندن داستان، با شخصیت‌ها همذات‌پنداری

۱. \*کارشناس ارشد ادبیات کودک و نوجوان، دانشگاه پیام نور شهرکرد n.taheri0077@gmail.com

۲. \*\* دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور تهران (نویسنده مسئول) H.Rezaie@pnu.ac.ir

۳. \*\*\* مدرس گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اصفهان(خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

f.rahmanifard375@gmail.com

<sup>4</sup> Maturity

<sup>5</sup> Psychosocial Development Theory

می‌کنند، ادبیات داستانی به شیوه‌ای بی‌واسطه بر فرایند هویت‌یابی<sup>۶</sup> آن‌ها اثر می‌گذارد (ر.ک. احمدی، ۱۳۹۰: ۴۵؛ گودرزی، ۱۳۸۸: ۲۸).

با وجود اهمیت مسئله بلوغ در این نوع ادبیات، تحلیل نظام‌مند آن، به‌ویژه در قالب مطالعه تطبیقی، کمتر موردتوجه پژوهش‌های دبی بوده است. پژوهش حاضر به بررسی بازنمایی انواع بلوغ در دو اثر برجسته از ادبیات نوجوان ایران می‌پردازد: *دل‌تک* نوشته‌ی هدی حدادی (۱۳۹۱) و *زیبا صدایم کن* اثر فرهاد حسن‌زاده (۱۳۹۳).

در مطالعه‌ی فرایند بلوغ در ادبیات نوجوان، انتخاب شخصیت‌هایی از سنین مختلف می‌تواند درک جامع‌تری از این مرحله‌ی مهم زندگی ارائه دهد. در این پژوهش، دو شخصیت دختر در مراحل مختلفی از نوجوانی قرار دارند؛ نگار در *دل‌تک* در سال‌های پایانی نوجوانی است، درحالی‌که زیبا در *صدایم کن* در سال‌های آغازین نوجوانی به سر می‌برد. این تفاوت سنی، نه‌تنها بر نوع تجربه‌ها و چالش‌های آن‌ها تأثیر گذاشته است، بلکه نشان می‌دهد که نویسندگان چگونه بر اساس سن شخصیت‌های خود، مسیر بلوغ را به شیوه‌ای متناسب روایت کرده‌اند. این تمایز سنی، مطالعه‌ی تطبیقی این دو اثر را حائز اهمیت می‌سازد، زیرا امکان بررسی چگونگی بازنمایی مراحل مختلف بلوغ را در ادبیات نوجوان فراهم می‌کند. باهدف ذکرشده پرسش‌های پژوهش عبارت‌اند از: انواع بلوغ چگونه در شخصیت‌های دختر نوجوان رمان‌های *دل‌تک* و *صدایم کن* به تصویر کشیده شده است؟ چه تفاوت‌هایی در نحوه بازنمایی بلوغ در شخصیت‌های دختر نوجوان توسط نویسنده‌ی زن (هدی حدادی) و نویسنده‌ی مرد (فرهاد حسن‌زاده) وجود دارد؟ نقش تجربیات اجتماعی و خانوادگی در فرایند بلوغ شخصیت‌های دختر نوجوان در این دو رمان چیست؟

با توجه به جایگاه حیاتی دوره نوجوانی در فرایند رشد و تکوین هویت فردی و اجتماعی و نقش بنیادینی که ادبیات نوجوان در بازتاب تجربه‌های زیسته، چالش‌ها، بحران‌ها و تحولات روانی و اجتماعی این دوره ایفا می‌کند، واکاوی بازنمایی مفاهیم مرتبط با بلوغ در متون ادبی این حوزه ضرورتی علمی و فرهنگی دارد. ادبیات داستانی، به‌ویژه در گونه‌ی نوجوان، می‌تواند بستر مناسبی برای بازنمایی پیچیدگی‌های مرحله گذار از کودکی به بزرگسالی باشد و از آنجاکه در بسیاری از موارد، نویسندگان با جنسیت‌ها و جهان‌بینی‌های متفاوت به خلق این آثار می‌پردازند، امکان بررسی و مقایسه نحوه مواجهه آنان با مفاهیمی چون بلوغ نیز فراهم می‌شود. علی‌رغم اهمیت مفهومی و کارکردی «بلوغ» در زندگی نوجوانان، بررسی تطبیقی و منظم آن در ادبیات داستانی فارسی کمتر موردتوجه پژوهش‌های آکادمیک قرار گرفته است، به‌ویژه در ارتباط با آثار نویسندگان زن و مرد که امکان تحلیل تفاوت‌های گفتمانی در مواجهه با رشد دختران نوجوان را فراهم می‌آورد.

در این زمینه، دو رمان *دل‌تک* اثر هدی حدادی و *صدایم کن* اثر فرهاد حسن‌زاده به‌عنوان نمونه‌هایی شاخص از ادبیات نوجوان دهه ۱۳۹۰، فرصت مناسبی را برای تحلیل تطبیقی انواع بلوغ فراهم می‌سازند. شخصیت‌های اصلی هر دو اثر، دختران

---

<sup>6</sup> Identity Formation

نوجوانی هستند که در بافت‌های خانوادگی، اجتماعی و روانی متفاوتی رشد می‌کنند و تجربه‌های گوناگونی را از مراحل بلوغ پشت سر می‌گذارند. از این‌رو، مسئله اصلی این پژوهش آن است که انواع مختلف بلوغ — شامل بلوغ جسمی، جنسی، عاطفی، شناختی، اجتماعی، شرعی و معنوی، اقتصادی و سیاسی — چگونه در شخصیت‌های دختر نوجوان این دو رمان بازنمایی شده‌اند و این بازنمایی‌ها چه تفاوت‌هایی را از منظر نگرش جنسیتی نویسندگان، نوع پرداخت داستانی و جهت‌گیری‌های گفتمانی در ادبیات نوجوان فارسی آشکار می‌سازند؟

پژوهش حاضر با رویکردی کیفی و با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای تطبیقی به واکاوی این مسئله پرداخته است. انتخاب نمونه‌ها به صورت هدفمند و بر اساس معیارهایی چون تمرکز داستان بر شخصیت دختر نوجوان، حضور عناصر قابل تحلیل در حوزه‌های مختلف بلوغ، شهرت و اعتبار ادبی آثار و تنوع جنسیتی نویسندگان صورت گرفته است. تحلیل داده‌ها مبتنی بر خوانش انتقادی و چندلایه‌ای دو متن، استخراج عناصر مفهومی و دلالتی مرتبط با انواع بلوغ و کدگذاری محتوایی در قالب هفت محور تحولی (بلوغ جسمی و جنسی، عاطفی و هیجانی، شناختی، اجتماعی، شرعی و معنوی، اقتصادی و سیاسی) انجام شده است. در ادامه، با مقایسه چگونگی نمود این ابعاد در دو رمان، تلاش شده است تا نحوه‌ی رشد شخصیت‌ها در تعامل با محیط پیرامونی، تجربه‌های زیسته، جایگاه اجتماعی و نظام ارزشی تحلیل گردد.

در این فرایند، چارچوب‌های نظری برگرفته از روان‌شناسی رشد (با تأکید بر نظریه‌های اریکسون، پیاژه، راجرز، کلبِرگ و برک)، جامعه‌شناسی نوجوانی و مطالعات جنسیت به عنوان مبانی تحلیلی به کار رفته‌اند تا تحلیل‌ها از پشتوانه‌ی نظری معتبر برخوردار باشند. افزون بر این، تلاش شده است تا با لحاظ تفاوت‌های بافتی و فرهنگی هر داستان، به درکی چند سویه از مفهوم بلوغ در ادبیات نوجوان ایران دست یابیم. روایی تحلیلی این پژوهش از طریق هم‌سنجی داده‌ها با نظریه‌های علمی و نمونه‌های مشابه در آثار دیگر و نیز بازخوانی مکرر و تأیید مفهومی داده‌ها تأمین گردیده است. نتایج نهایی در قالب یک تحلیل توصیفی - تطبیقی گزارش شده که در آن نقاط افتراق و اشتراک دو اثر در بازنمایی بلوغ تبیین و تفسیر شده‌اند.

## ۲. پیشینه پژوهش

ادبیات پژوهشی پیرامون بازنمایی بلوغ در رمان‌های نوجوان فارسی، علی‌رغم اهمیت روان‌شناختی و اجتماعی این مرحله از زندگی، همچنان محدود و پراکنده است. در حالی که بلوغ یکی از بنیادی‌ترین فرآیندهای تحولی در نوجوانی است، تنها معدودی از پژوهش‌ها به صورت متمرکز و نظام‌مند آن را در ادبیات داستانی بررسی کرده‌اند. در این بخش، مجموعه‌ای از مطالعات مرتبط مرور می‌شود تا جایگاه پژوهش کنونی روشن گردد.

نخستین مطالعات متمرکز بر مفهوم بلوغ در رمان نوجوان را می‌توان در پایان‌نامه میرعلایی امین (۱۳۹۶) با عنوان «بازنمایی انواع بلوغ در رمان‌های نوجوان دهه هشتاد» مشاهده کرد. او با بررسی پانزده رمان شاخص، نتیجه گرفته است که تنها چهار